

پُستخانه

(خانم بشیر و بچه هایش از لباس شونی خارج و پس از چند ثانیه سوار ماشین می شوند).

راننده : خانم بفرمانید کجا می خواهید تشریف ببرید ^۹

خانم بشیر : می خواستم مستقیماً به خانه بروم ولی یادم آمد که در پُستخانه هم کار دارم. فردا کارهای زیاد در پیش دارم و فرصت نمی گنم این طرف ها ببایم. بهتر است این کار را هم حالا انجام بدهم، از اینجا دست راست بپیچید.

پروین : مادر جان! فکر نمی کنم که این موقع شب پُستخانه باز باشد.

طاهر : پروین جان! باید بدانید که پُستخانه مرکزی تا شب هم باز است. ماشین وارد محوطه پُستخانه مرکزی می شود، راننده، موتور ماشین را خاموش می گند و خانم بشیر پیاده می شود.

خانم بشیر : پروین جان! شما همینجا باشید و طاهر جان، شما همراه من بباید.

طاهر : (در حال پیاده شدن) چشم! مادر جان، بفرمانید اول به اطلاعات مراجعه کنیم.

خانم بشیر : ببخشید آقا! مسکن است راهنمایی بفرمانید که باجه فروش تمبر و باجه نامه ها و بسته های سفارشی کجا است ^۹ در ضمن اینهم بفرمانید، اگر بخواهیم نامه به ایران بفرستیم چقدر تمیر لازم دارد ^۹

کارمند اطلاعات : خانم تشریف ببرید دست راست. باجه تمیر در انتهای این راه رو قرار دارد و باجه نامه ها و بسته های سفارشی در داخل تالار است. بفرمانید به گیشه شماره چهار. اگر بخواهید نامه با پست زمینی یا با پست هوایی به ایران بفرستید تمیسچه رویه بزنید.

خانم بشیر : برای این راهنمایی خیلی متشکرم.
کارمند اطلاعات : این وظیفه من بود. احتیاج به تشکر نیست.
خانم بشیر : (به تمبر فروش) آقا شش تا کارت پستال دوسره، شش پاکت برای
پست داخلی، ده تا تمبر یک روپیه ای، ده تا تمبر دو روپیه ای و ده تا تمبر
سه روپیه ای لطف بفرمانید.

طاهر : لطفاً یک نامه هوانی هم بدھید.

تمبر فروش : چشم (خانم بشیر آگذون رو بروی گیشه چهارمی رسد)
کارمند پستخانه : بفرمانید خانم، از من چه خدمتی بر می آید؟
خانم بشیر : آقا می خواهم این نامه را سفارشی بفرستم.

(کارمند پستخانه نامه اراز دست خانم بشیر می گیرد)

کارمند پستخانه : ببخشید خانم، شمامام و آدرس گیرنده را که نوشته‌ید ولی
فراموش کردید که نام و آدرس فرستنده را مرقوم بفرمانید. ما بدون نام و نشانی
فرستنده نامه سفارشی را قبول نمی کنیم.

خانم بشیر : اجازه بفرمانید نام و نشانی خودم را بنویسم
(بعد از چند ثانیه)

کارمند پستخانه : (روی قبض مهر می زندو می گوید) بفرمانید این هم قبض.
خانم بشیر : آقا لطفاً این پاکت را بکشید. می خواهم ببینم که سنگین تراز نامه های
معمولی که نیست.

کارمند پستخانه : بله خانم. یک کمی سنگین تراست، لطفاً یک روپیه تمبر
اضافه بزنید.

خانم بشیر : آقا خیلی متشکرم.

طاهر : مادر جان ! من یک نامه شهری دارم. اجازه بفرمانید آن را پست کنم.
پس از آنکه طاهر نامه را به صندوق پست انداخت ، مادر و پسر به طرف ماشین به
راه افتادند.

(دُکْتُر آفَاق اصغر)

فرهنگ

پستخانه : ڈاکخانہ

دقیقه : منت

محوطه : احاطه

مخارج : اخراجات

راهرو : برآمده

باجه : کڑکی

بزنید : لگائیں

به اندازه : کے مطابق

نامه شهری : مقامی خط

دست راست بپیچید : واپسی طرف میں

کارت پستال دوسره : واپسی پوست کارڈ

موتور ماشین راخایموش می گند : گاڑی کے انجن کو بند کرتا ہے

نامه ها و بستہ های سفارشی : رجسٹری، خط و پارسل

پستخانه مرکزی : بڑا ڈاکخانہ (جزل پست آفس)

فرصت نمی کنم : مجھے موقع نہیں ملے گا

سنگین تر : زیادہ بھاری

پست کنم : پوست کروں